



عنتق ینهان  
همیتنه مخفے  
نمیمونه

*translator: Ryoga*

*editor: Ayumi &  
Aila*

*uploader: Yasaman*

# 偷偷藏不住

Hidden Love





ها؟

لیس

معنی دیگه ای  
هم داره؟

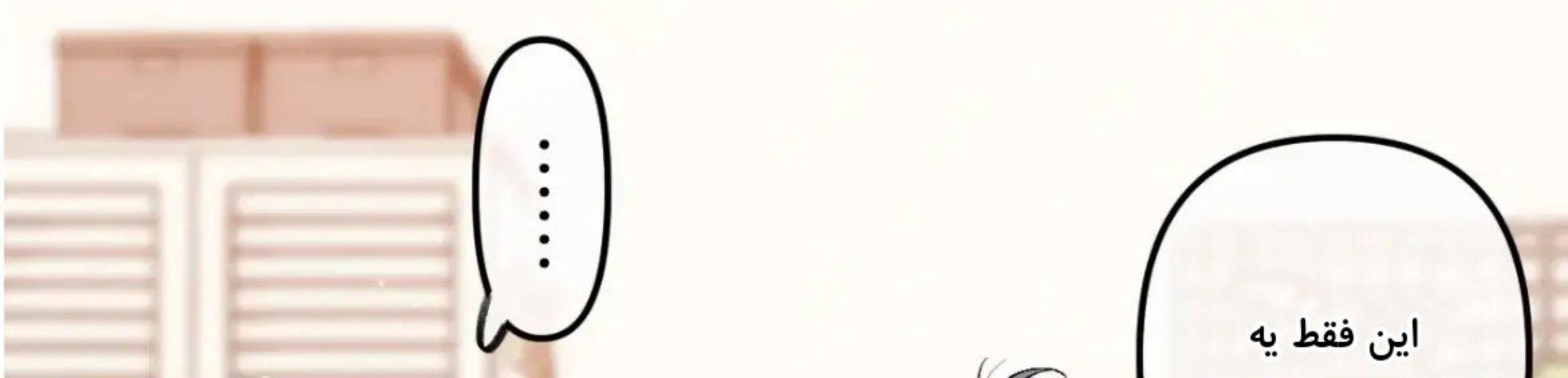


تو نگفتی من  
بچه ام؟



اگه دنبال  
حقیقتی،

حتی اگه ۹۰  
سالتم باشه، هر جور  
دوس دارم صدات  
میکنم.



این فقط یه

اسم خودمونه.



تو هم بمن  
میگی داداش،

این یعنی  
داداش واقعی  
توام؟

من عین  
داداش واقعی  
باهات رفتار  
میکنم.

پس من  
رفتارمو عوض  
میکنم.



من دیگه  
انسان نیستم.



نمیتونی انقد  
جدی باشی ...





حالا چه جوابی  
داری؟

دیگه در  
موردش صحبت  
نکنیم،

الان انقد  
عصبی ام که نفسم  
بالا نیمااد.

چطوره که  
نمییشه عصبانیتت  
رو تو صورتت  
دید؟؟





از کی  
تا حالا واسه  
اینکه بری دنبال  
یکی،

باید ازش  
اجازه بگیری؟

اگه قبلش اجازه  
نمیگرفتم،

فکر نمیکردی  
که فقط به عنوان  
یه بزرگتر دارم بهت  
توجه میکنم؟



...این دیگه به  
خودت مربوطه.

چه بخوای  
بیای یا نیای سمت  
من، مشکل خودته.  
اهمیتی نمیدم.

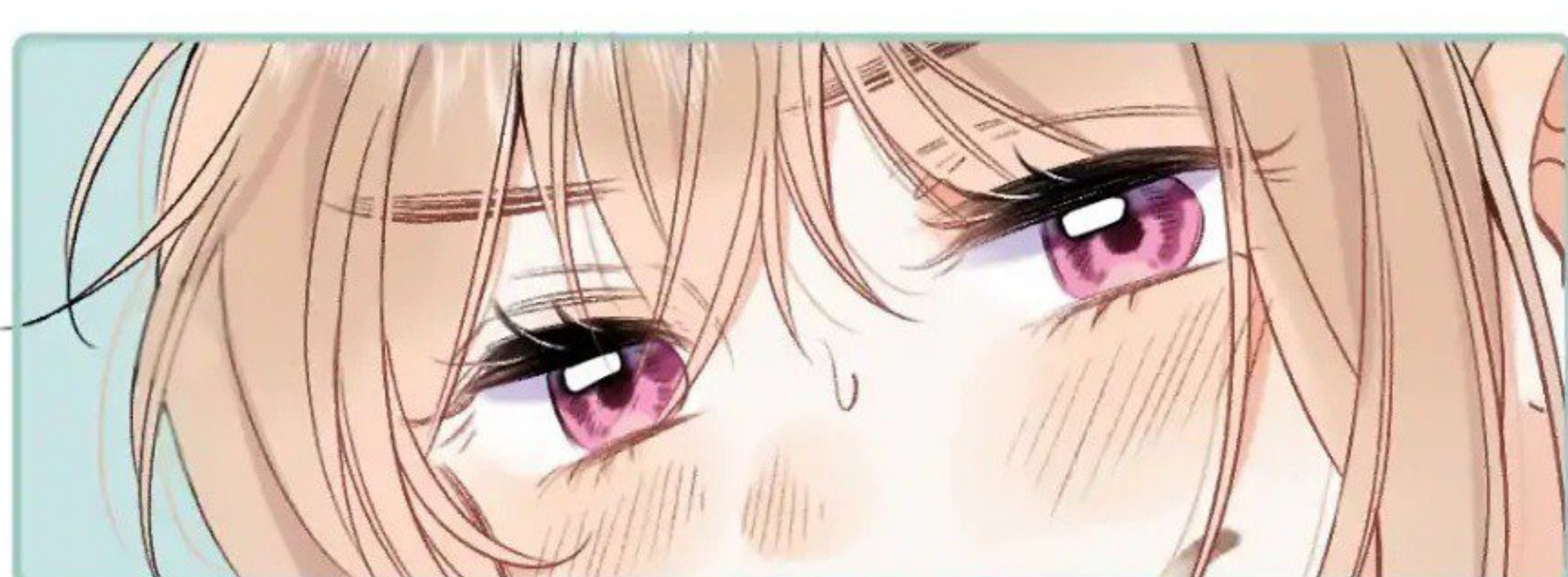


این یعنی بهم  
علاقه داری؟

چ



فرقی  
نمیکنه.



اما اگه یه  
مدت بیای  
سمنم،

ممکنه  
بهت علاقه مند  
بشم...



پس راستشو  
بهم بگو که،



چه مدت باید  
دنبالت کنم؟



آخه چه  
گفتی؟



يجورى ميگي  
انگار واسه دنبال  
کردنم منتظر  
اجازه اي.



دليل ديگه اي  
هم داره كه نميتونم  
بيام سمتت؟

البته، من راحت  
وا نميدم.



پس بيا  
يه قول و قرار  
بينمون داشته  
باشيم

و به زمان  
براش مشخص  
كنيم.

آخه قول و قرار  
واسه اين؟

واسه آدمایی  
تو سن ما،


بهتره کارا  
رو مطمئن تر  
انجام بدیم.



جوابتو  
نمیدم.

باشه، منتظر  
میمونم.





اگه بعد از  
مدت زیادی که  
دنبالت کردم رفتی  
با یکی دیگه،

به والدینت  
میگم.



چی رو صورتتم  
مالیدی؟

آرایش کرده  
بودم!

آرایش؟

نگاه، هنوزم  
میگی بهم علاقه  
نداری.

من...

هر وقت یکیو  
ملاقات میکنم  
آرایش میکنم!


حالا عصبانی  
نشو.

تو که بهم  
علاقه نداری،


نمیتونم یکم  
شوخی کنم؟

Humph

فکراتو  
بلند بلند به  
زبون نیار.



اڳه نڱم،  
چطوري ميفهمي  
که به چي فکر  
ميکنم؟



من جلوتو  
نگرفتم...

ضمنا، بايد  
اعتراف کنی.



اڳه الان

اعتراف کنم،

قبول میکنی؟

معلومه  
که نه!

دیدى...



اول بايد  
دنبالم کنی!







پس من  
کمی بیشتر دنبالت  
میکنم.

میتونی کیک  
رو برداری و به

دوستاتم بدی.



اگه دوس  
داری،

هرروز واست  
درست میکنم.





سانگ سانگ  
برگشته~

قرار خوش  
گذشت؟



این کیک  
واسه شماست  
دختر. من میرم  
بیرون کمی  
بدوم...

بدویی؟

از ساعت ۱۰  
گذشته، سرما  
اذیت نمیکنه؟

من...

آه



چی شده؟



من،  
من یه  
کمی ...

کل شبو  
خندیدم، واسه  
همین صورتم خشک  
شده و گرفته.



چی؟ این یعنی پسره  
اقرار کرد؟

فکر کنم آره...



گفت میخواد  
دنپالم کنه.

گفت میخواد  
دنپالم کنه...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

## آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)